

# بررسی بازنویسی و بازآفرینی در ادبیات کودک با نگاهی به بازنویسی آثار عطار

ندا مرادپور

کارشناس ارشد ادبیات کودک و نوجوان از دانشگاه شیراز

neda.moradpour@gmail.com

## مقدمه

یکی از گونه‌های ادبی در ادبیات کودک، که کاربرد بسیاری در این گستره دارد، بازنویسی و بازآفرینی متون کهن است. بازنویسی و بازآفرینی متون مختلف از دیرباز رایج بوده است؛ از باب نمونه شاهنامه فردوسی بازآفرینی متون کهن است، یا مولوی، در آفرینش مثنوی، آثار عطار و سنائی را الگوی کار خود قرار داده است. حافظ نیز در بسیاری از اشعار خویش به پیشینیان توجه بسیار کرده است. در قرن اخیر، بازآفرینی متون کهن ادبی برای کودکان تقریباً با کار مهدی آذر یزدی آغاز می‌شود. پس از او نویسندگان خوش ذوق دیگری نیز این کار را ادامه دادند، از جمله دکتر جعفر پایور، در مجموعه مقالات خود، مفصل، انواع و گونه‌های بازنویسی و بازآفرینی را به دست داده است. برای آشنا شدن با مفهوم بازنویسی، می‌توان گفت گاه نویسنده، در تألیف یک متن، با افکار و باورها و یافته‌های خود - بی‌آنکه متن خاصی را الگوی کار خود سازد، جهانی از واژگان می‌آفریند. البته، پیش‌زمینه‌های ذهنی نویسنده را هیچ‌گاه نمی‌توان نادیده انگاشت. اما نکته این است که در این نوع متن ویژه‌ای الگوی نویسنده نبوده است؛ اما زمانی ممکن است نویسنده متنی را الگوی کار خود سازد و یا قصد بازسازی یک متن کهن را داشته باشد که در این صورت به حوزه بازنویسی و بازآفرینی متون وارد می‌شود. هر یک از این انواع تعاریف خاصی دارد. در بازنویسی، که خاص متون کهن است، نویسنده بازنویس متنی قدیمی را، که دارای واژگانی نامأنوس و ناآشناست، با تغییر واژگان آن را ساده می‌کند تا برای مخاطب امروزی قابل درک شود. در این نوع، نویسنده آراء و عقاید خود را در متن وارد نمی‌کند. بازنویسی انواع مختلفی دارد که عبارت است از: بازنویسی ساده؛ بازنویسی خلاق؛ بازنویسی همراه با بازآفرینی - که در دو نوع آخر تا حدودی نویسنده در متن اولیه تغییرات خلاقانه‌ای ایجاد می‌کند. گفتمانی است نویسنده بازآفرین در متن بازآفرینی شده فقط به ساده کردن متن اکتفا نمی‌کند؛

او به ساختن دوبارهٔ متن می‌پردازد و در آن ایدئولوژی‌ها و عقاید خود را وارد می‌سازد. اگرچه این متن بسیار متفاوت از کار بازنویسی است، تألیف به شمار نمی‌آید. بازآفرینی به متون قدیمی محدود نمی‌شود و می‌توان هر متنی را بازآفرینی کرد. دانستن تعریفی از انواع بازنویسی و بازآفرینی برای آن است که گاه با عنوان بازنویسی به آثاری می‌رسیم که آن‌ها را نه می‌توان بازنویسی انگاشت و نه بازآفرینی، بلکه فقط قطعات بریده‌شده‌ای هستند که گاهی حتی واژگان آن متون هم ساده‌نویسی نشده‌اند.

نویسندگان از بازنویسی و بازآفرینی متون مقاصد مختلف و گوناگونی دارند. گاه نویسنده‌ای قصد دارد تا کودک را با متنی قدیمی آشنا سازد؛ در این صورت، با ساده کردن آن اثر و البته با حفظ زیبایی اثر آن متن را بازنویسی می‌کند. گاه نیز نویسنده درون‌مایهٔ ویژه‌ای در نظر دارد و متنی را می‌یابد که قابلیت پذیرفتن چنین درون‌مایه‌ای را دارد؛ در این صورت، ایدئولوژی و طرح خود را در متن وارد می‌کند و متن اولیه را دگرگون می‌سازد. توضیح اینکه آشنا کردن کودکان با متون کهن به سادگی امکان‌پذیر نیست. این متون درون‌مایه‌های گوناگونی دارند که گاه کودکان با آن درون‌مایه‌ها بیگانه‌اند و حتی با بازنویسی و ساده کردن این متون نیز کودک نمی‌تواند با آن‌ها ارتباط برقرار کند. این مسئله بدین دلیل اهمیت دارد که ممکن است کودک با اثر اولیه به درستی آشنا نشود و یا برای او جذابیتی نداشته باشد و زیبایی‌های نهفته در اثر کهن برای همیشه برای او ناشناخته بماند. حتی ممکن است این کودک زمانی که درک واژگانی لازم را برای مطالعهٔ اصل متون داشته باشد هرگز به سراغ متون کهن و فخیم نرود. در واقع، امروزه مشکل بسیاری از بازنویسی‌های آثار کلاسیک ادبی این است که کودکان از این آثار استقبال نمی‌کنند؛ به همین سبب، در این مجال بر آنیم تا، با توجه به بازنویسی‌های آثار عطار، به برخی نکته‌ها دربارهٔ بازنویسی و بازآفرینی بپردازیم.

در بازنویسی متون کهن برای کودکان نکته‌های بسیار مهمی وجود دارد که برخی از آن‌ها عبارت‌اند از:

● توجه به مقطع سنی کودک و نیاز او؛ هر متنی نمی‌تواند برای سنین مختلف مناسب باشد، بنابراین، انتخاب متن مناسب برای گروه‌های سنی مختلف در میزان موفقیت یک اثر تأثیر فراوانی دارد.

● اطلاع درباره دایره واژگانی کودکان و اینکه تا چه میزان واژگان باید ساده شوند نکته دیگری است در بازنویسی متون کهن.

● در بازنویسی متون کهن حفظ درون‌مایه و مضمون اصلی آثار بسیار اهمیت دارد. نویسنده باید بتواند محتوای پیام یک متن کهن را به بهترین شکل به مخاطب منتقل کند، ولی در بازآفرینی می‌تواند پیام‌های متن پایه را تغییر دهد.

● حفظ زیبایی اثر نیز بسیار مهم است. نویسنده در بازنویسی با به‌گزینی واژگان می‌تواند به چنین هدفی دست یابد.

به طور کلی، شناخت درست متون کهن و درک درست آن‌ها و نیز شناخت درست کودکان و دنیای کودکان از ارکان اصلی بازنویسی یا بازآفرینی موفق است. اما با ذکر این نکته واپسین (شناخت درست کودکان و دنیای کودکان) نکته بسیار مهم دیگری مطرح می‌شود. در واقع، آنچه برای بازنویسان اهمیت بسیاری دارد توجه به متن پایه و اصلی است؛ اینکه پیام اثر کهن تمام و کمال منتقل شود، تمام داستان گفته شود، و هر آنچه در متن کهن وجود دارد در متن بازنویسی شده نیز آورده شود (البته برخی از بازنویسان حتی در این نکته هم دقت لازم را ندارند) با این تفاوت که ساده‌تر باشد. در بازنویسی متون کهن برای کودکان، در واقع، کودکان و علایق آن‌ها نادیده گرفته می‌شود. برخی از بازنویسان فقط به این منظره که کودکان دایره واژگانی اندکی دارند توجه می‌کنند بی‌آنکه تلاش کنند خود را به دنیای کودکان نزدیک سازند یا اندک توجهی به ادبیات کودک و آثار ناب و کلاسیک و پُرطرفدار کودک نشان دهند.

به عبارت بهتر، مخاطب نهفته در این بازنویسی‌ها کودک است که نیازمند آموختن است و از نظر واژگانی محدود. پس آموزه‌هایی با زبان ساده به او منتقل می‌شود و می‌توان گفت، به همین سبب، این بازنویسی‌ها با استقبال کودکان روبه‌رو نمی‌شوند؛ درحالی‌که اگر آثار کلاسیک و پُرطرفدار در میان کودکان و آثار بازنویسی شده با هم مقایسه شوند آن‌گاه درمی‌یابیم که این بازنویسی‌ها تا چه اندازه با ادبیات کودک بیگانه‌اند. نکته این است که این آثار پُرطرفدار ویژگی بنیادینی در خود دارند که برخی از بازنویسی‌ها فاقد آن‌اند. دید نویسنده در این آثار تفاوت‌هایی ژرف با دید بازنویس دارد که او را هم‌گام با کودک می‌سازد.

دنیای این آثار دنیای شگفتی‌های هیجان‌انگیز و کنجکاو‌های بی‌حد و حصر است و کودکان نیز همین گونه‌اند و خواننده نهفته در این آثار ماندگار کودک در پی لذت خواندن است و همین نکته است که این دو نوع را از هم مجزا می‌کند. در واقع، آنچه در متون بازنویسی شده نادیده گرفته شده عوامل لذت‌آفرین ادبیات کودک است. بررسی بازنویسی آثار عطار می‌تواند این مطلب را بیش از پیش آشکار سازد.

### بررسی بازنویسی آثار عطار

تعداد انگشت‌شماری از بازنویسی متون کهن برای کودکان به آثار عطار اختصاص دارد – شاید به دلیل درون‌مایه عرفانی این آثار باشد. البته، قابلیت آثار عطار ناشناخته مانده است؛ آثار عطار پُر است از تمثیل‌های کوتاه و بلند با موضوع‌ها و درون‌مایه‌های گوناگون که می‌توان از آن‌ها متن‌هایی قوی برای کودکان به دست داد. به هر حال، این بازنویسی‌ها شامل شش کتاب می‌شود: سه بازنویسی از منطق‌الطیر عطار؛ و سه بازنویسی از دیگر آثار عطار.

نخستین اثر بازنویسی شده افسانه سیمرغ است. این اثر را زهرا خانلری در سال ۱۳۵۴ بازنویسی

و نورالدین زرین کلک آن را تصویرگری کرده است. در این داستان منطق الطیر به زبانی ساده بازنویسی می‌شود. کتاب نثری ساده و روان دارد. در این بازنویسی در مقایسه با متن کهن آن تغییراتی دیده می‌شود، از باب نمونه نویسنده، بدون مقدمه و فضاسازی، ماجرای جمع شدن مرغان و خواهان شهریار شدن آنان را پیش می‌کشد:

یکی بود یکی نبود. یک روز همه پرنده‌گان پیش هم آمدند و گفتند این همه ستم که به ما می‌شود برای آن است که پیشوا و فرماندهی نداریم. (خانلری، ۱۳۸۲: ۱)

مناظره هدهد با مرغان نیز آورده نمی‌شود و فقط بهانه‌ها ذکر می‌شود و آن‌گاه در پایان بیان می‌شود که هدهد بهانه‌های همه مرغان را پاسخ گفت و بعد هم سفر آغاز می‌شود، اما نه با مراحل که عطار بیان کرده است و فقط به این اکتفا می‌شود که هفت بیابان سخت در راه وجود دارد که باید از آن‌ها عبور کنند تا به کوه قاف برسند و پایان قصه نیز همان‌گونه است که در منطق الطیر آمده است. این اثر بازآفرینی نیست و، با توجه به اینکه خلاقیت چندانی هم در آن به کار نرفته است، می‌توان آن را جزو بازنویسی‌های ساده دانست. در بازنویسی ساده واژگان ساده می‌شوند و پیام و زیبایی اثر حفظ می‌شود. در این کتاب واژگان و جمله‌ها، با توجه به سن مخاطب، ساده شده‌اند، ولی همه پیام داستان حفظ نشده است. زیبایی کار عطار در آغاز منطق الطیر در فضاسازی موفق آن است، حال آنکه افسانه سیمرغ بدون مقدمه و فضاسازی آغاز می‌شود.

نکته دیگر در زیبایی کار عطار آوردن مناظره‌ای بین مرغان و هدهد است که در اثر خانلری حذف شده است و فقط بعد از آنکه همه بهانه‌ها آورده می‌شود گفته می‌شود:

اما هدهد، که از همه داناتر بود، به یکی یکی آن‌ها جواب داد و عذرشان را رد کرد. (همان: ۱۷) در واقع، در کار خانلری، داستان به صورت خلاصه بیان شده است و مخاطبان کودک با سفری که در منطق الطیر آمده است به صورت بسیار کلی آشنا می‌شوند، اما از تکنیک‌هایی که عطار برای

زیبایی و لذت بخشی اثرش به کار برده است، تکنیک‌هایی مانند مناظره و گفت‌وگو و نیز فضا سازی، استفاده نمی‌شود. در واقع، توجه به همین تکنیک‌ها می‌توانست پیوندی بین این اثر و دنیای کودکان برقرار سازد. بنابراین، این اثر فقط در پی آشنا کردن کودک با متنی قدیمی است.

از دیگر آثار بازنویسی عطارد قصه‌های خوب برای بچه‌های خوب از مهدی آذر یزدی است. این کتاب در سال ۱۳۶۹ نشر شده است. در واقع، یکی از مجموعه قصه‌های خوب برای بچه‌های خوب به آثار عطارد اختصاص دارد و در آن حکایت‌هایی پراکنده از عطارد انتخاب و بازنویسی یا بازآفرینی شده است. از این گزیده داستان «پیر چنگی» برای بررسی انتخاب شده است.

این داستان در مصیبت‌نامه عطارد آمده است. البته، «پیر چنگی» در مثنوی نیز آمده است. هر چند کار آذر یزدی با الگوبرداری از کار عطارد بوده، نیم‌نگاهی نیز به «پیر چنگی» مولوی داشته است. آغاز داستان به همان صورتی است که در مصیبت‌نامه آمده است. یکی از تفاوت‌های مصیبت‌نامه با مثنوی در این داستان این است که داستان «پیر چنگی» مصیبت‌نامه در مسجد اتفاق می‌افتد، اما در مثنوی در قبرستان. تفاوت دیگر آن است که در مثنوی خلیفه به دیدار پیر چنگی می‌رود، حال آنکه در مصیبت‌نامه ابوسعید ابوالخیر به کمک پیر چنگی می‌آید. در قصه آذر یزدی از خلیفه نیز سخن به میان می‌آید.

قصه آذر یزدی از جایی نیز با هر دو قصه (قصه مثنوی و قصه عطارد) متفاوت می‌شود. خادم مسجد به ابوسعید خبر می‌دهد که چنین پیری در مسجد هست و پس از آنکه ابوسعید به خادم مبلغی می‌دهد، به او می‌گوید که به پیر چنگی بگویند پس از این هر گاه نیازی داشت به خانقاه بیاید و آنجا ساز بزند. وقتی که خادم این مطلب را به پیر چنگی می‌گوید، پیر این گونه پاسخ می‌دهد: پیر چنگی نگاه ملامت‌باری به خادم کرد و گفت: «شیخ ابوسعید کیست؟ شیخ اگر مرد باشد، خودش هم همه کارش را می‌گذارد و می‌آید برای خدا ساز می‌زند.» (آذر یزدی، ۱۳۸۹: ۵۵)

و البته چنین نکته‌ای در هیچ یک از آثار پیشین وجود ندارد و نویسنده خلاق آن را پدید آورده است. در اثر بازآفرینی آذر یزدی واژگان نیز بسیار ساده شده‌اند. با اینکه پایان داستان با داستان اولیه فرق دارد، نمی‌توان آن را بازآفرینی دانست؛ زیرا داستان از اساس دگرگون نشده است و فقط در پایان آن نویسنده خلاقیت داشته است؛ به هر حال، چیز تازه‌ای به متن اولیه افزوده شده است. پس این قصه را می‌توان از بازنویسی‌های خلاق به شمار آورد. شاخص اصلی بازنویسی خلاق تغییر متن کهن است (البته نه تا آنجا که متن کلاً دگرگون شود). اینجا نیز درون‌مایه اصلی حفظ شده است.

پایان طنزگونه قصه آن را برای کودکان جذاب و لذت‌بخش ساخته است و اثر توانسته پیام اصلی متن کهن را نیز منتقل کند. شاید بتوان گفت نویسنده با برگزیدن این پایان‌بندی به دنیای کودکان بیشتر نزدیک شده است.

اثر بعدی سی مرغ، با بازنویسی پرویز اهور، است. این اثر در سال ۱۳۷۷ نوشته شده و هرگز حقیقی تصویرگر آن بوده است. این قصه برای گروه سنی «دال» در نظر گرفته شده است. در این داستان جزئیات بیشتری از منطق الطیر عطار آمده است. مراحل ذکر شده‌اند و مناظره مرغان نیز آمده است. آغاز داستان همانند آغاز منطق الطیر است و پایان آن نیز به همان صورت. نکته تازه‌ای به اثر نخستین افزوده نشده است. با این توصیفات می‌توان نتیجه گرفت که سی مرغ نیز جزو بازنویسی‌های ساده است.

واژگان در این اثر ساده‌اند. با توجه به اینکه مخاطب این کتاب نوجوانانند، پیام اثر حفظ شده و به خوبی منتقل شده است.

در تصویرگری اثر نیز با بهانه هر مرغی تصویری از آن مرغ آمده است و سعی شده با ویژگی‌های گفته‌شده هر مرغ ارتباطی ایجاد شود، از باب نمونه در تصویر طاووس درهم‌آمیزی رنگ‌ها حالتی بهشتی ایجاد کرده که نشان از آن دارد که او در آرزوی بهشت است.



می‌دانید که در ابتدا خانه من در بهشت بود، ولی بعد از بهشت بیرونم کردند و حالا آرزویی جز برگشتن به بهشت ندارم. (اهور، ۱۳۸۰: ۶)

حکایت‌های شیرین منطق الطیر از محمد کاظم مزینانی اثر دیگری است از بازنویسی آثار عطار. تصویرگر این کتاب کمال طباطبایی است.

این کتاب تلفیقی است از اشعار منطق الطیر با نثری ساده. به عبارتی، این اثر هم منظوم است و هم منشور. در واقع، نویسنده سعی کرده است همه متن را، بی کم و کاست، بیاورد و چون درک برخی ابیات را برای کودک و نوجوان مشکل می‌پنداشته، ابیات مشکل را به نثر ساده برگردان کرده و ابیات ساده و آسان را بی هیچ تغییری آورده است. برخی از واژگان نیز در گوشه کتاب - نه در پانوش - معنا شده‌اند. مثلاً در نخستین صفحه این کتاب چنین آمده:

مجمعی کردند مرغان جهان      آنچه بودند آشکارا و نهان  
و کنار «آنچه» فلشی تا کنار صفحه می‌آید و معنی کلمه را در آنجا می‌بینیم و پس از آن داستان به این صورت ادامه می‌یابد:

جمله گفتند این زمان در دور کار      نیست خالی هیچ شهر از شهریار  
اما ما پرندگان در قلمرو خود پادشاهی نداریم و این بی‌پادشاهی شایسته ما نیست. باید هرچه زودتر به یاری یکدیگر پادشاهی بیابیم.      زانک چون کشور بود بی‌پادشاه  
نظم و ترتیبی نماند در سپاه (مزینانی، ۱۳۸۵: ۱)

این کتاب همه آنچه در منطق الطیر آمده در بر دارد و نویسنده نکته‌ای از آن را حذف نکرده است. در پیشگفتار کتاب درباره هنر داستان‌گویی و نوع نگاه عطار نیز شرحی کوتاه آمده است. این اثر، حکایت‌های شیرین منطق الطیر، بازگردانی ساده یا همان بازنویسی بسیار ساده است. بازنویس این اثر هیچ تغییری در هیچ جای منطق الطیر ایجاد نکرده و با اثر و پدیدآورنده آن آشنایی

کامل داشته است. بازنویس همه جا سعی کرده واژگان، حتی واژگان اندکی مبهم، را معنا کند، بنابراین، از دایره واژگانی کودک‌کان و نوجوانان اطلاع داشته است.

پرسش این است که آیا ضرورتی دارد همه منطبق الطیر برای کودک و نوجوان بازنویسی شود؟ از آن رو این پرسش مطرح می‌شود که مبحث عرفان مبحثی دشوار است؛ شاید بتوان واژگان را معنا کرد و کودک و نوجوان نیز این معانی را دریابند، اما آیا به واقع چنین عرفانی برای آنان قابل درک است. البته، منظور این نیست که درک کودک‌کان اندک است، بلکه حرف بر سر آن است که برای درک مبانی عرفانی نیاز به دانستن مقدمات بسیاری است. ذکر این نکته نیز ضروری است که در شرح و تفسیر متون ادبی کهن واژگان معنا می‌شوند و در بازنویسی این آثار واژگان آشنا و مأنوس امروزی جایگزین واژگان کهن. بنابراین، این آثار بیش از آنکه بازنویسی باشند شرح متون کهن‌اند.

قصه‌های شیرین تذکره‌الاولیا از مجموعه تازه‌هایی از ادبیات کهن برای نوجوانان، با بازنویسی افشین اعلا، اثر دیگری است در زمینه بازنویسی آثار عطار.

این اثر گلچینی است از داستان‌های تذکره‌الاولیا. نثر آن ساده و روان است و واژگان در آن بسیار ساده شده‌اند. هر یک از حکایت‌ها نام خاصی دارند؛ این نام‌ها برگرفته از برخی ویژگی‌های عارفان یا حکایت‌هاست، از باب نمونه «قندیلی از مرورید» در باب زندگی رابعه، «باران عشق» با توجه به داستان بایزید<sup>۱</sup> و «دامن دامن مرورید» درباره زندگی ابراهیم ادهم با توجه به یکی از حکایات. انتخاب این نام‌ها سبب جذابیت اثر افشین اعلا شده است.

برای مشخص کردن نوع بازنویسی این اثر یکی از حکایات بیان می‌شود. اصل حکایت از تذکره‌الاولیاست.

از بزرگان بسطام یکی پدر او بود. واقعه او با او مادر آورده بود از شکم. چنان که از مادر نقل

کنند که چون لقمه‌ای در دهان نهادمی که در وی شبهتی بودی، او در شکم می‌طپیدی، تا آن لقمه دفع کردمی. مصداق این سخن آن است که از بایزید پرسیدند که مرد را در این راه چه به؟ گفت: دولت مادرزاد. گفتند: اگر نبود؟ گفت: دلی دانا. گفتند: اگر نبود؟ گفت: چشم بینا. گفتند: اگر نبود؟ گفت: گوش‌ی شنوا. گفتند: اگر نبود؟ گفت: مرگ مفاجا. نقل است که چون مادرش به کتاب فرستاد... (عطار، ۱۳۸۲: ۱۶۱)

### بازنویسی اعلا:

بایزید فرزند یکی از بزرگان بسطام بود و از مادری پاکدامن به دنیا آمده بود. مادر بایزید می‌گفت: وقتی او در شکم من بود، هر وقت می‌خواستم لقمه‌ای را که در پاکی آن شک داشتم، در دهان بگذارم، او در دلم می‌جنبید و مرا از خوردن آن باز می‌داشت. هنوز کودک خردسال بود که مادرش او را برای یاد گرفتن قرآن به مکتب فرستاد... (اعلا، ۱۳۸۱: ۱۲۰)

نویسنده مطالبی را که مناسب نمی‌دانسته حذف کرده است، اما نمی‌توان گفت که در بیان معانی و انتقال آن‌ها تازگی و خلاقیتی در کار او وجود دارد، بنابراین، اثر افشین اعلا نیز بازنویسی ساده است.

قصه‌های عطار، از رضا شیرازی، اثر دیگری است که به برخی از قصه‌های عطار به صورت پراکنده پرداخته است؛ یعنی یکی از آثار عطار را به طور خاص مد نظر ندارد.

این حکایت‌ها نیز برگردانی ساده از حکایات عطار است که در آن‌ها تغییر محسوسی دیده نمی‌شود. نویسنده برخی ابیات ساده عطار را در بین حکایات می‌آورد و از آوردن ابیات مشکل خودداری می‌کند. البته، این نویسنده، با توجه به توصیفاتش، نتوانسته همه ظرافت‌های داستان اصلی را منتقل کند. مثلاً نویسنده در حکایت شیخ صنعان<sup>۴</sup>، در توصیف دختر ترسا فقط

ابیاتی را آورده که در وصف زیبایی دختر ترساست و از آوردن دیگر توصیف‌ها خودداری کرده است. نویسنده حتی در نثر خود نیز به ویژگی‌های دیگر این دختر اشاره‌ای نمی‌کند، در حالی که در متن اصلی این دختر با واژه روحانی صفت وصف شده و عطار او را راهبی بالیمان معرفی می‌کند.

علاوه بر این، در جایی دیگر از همین حکایت، نویسنده به معرفی سرزمین روم می‌پردازد: روم چگونه سرزمینی است؟ پایتخت روحانی مسیحیان؛ آن‌هایی که دشمنی و کینه با مسلمانان و آیین حق داشتند. شیخ صنعان این را به‌خوبی می‌دانست. (شیرازی، ۱۳۸۸: ۱۰۸)

چنین توصیف‌هایی در کار عطار نیامده است و نویسنده عقاید شخصی را وارد متن کرده است. آخرین اثری که از منطق الطیر عطار الگوبرداری شده سیمرغ، اثر هدی حدادی، است که البته این اثر برای گروه سنی کودکان در نظر گرفته نشده است. سادگی و نوع داستانی این اثر سبب شد تا در این بررسی‌ها به آن نیز پرداخته شود. این بازنویسی برای کارگاهی سه‌روزه و به منظور بازسازی تصویری سیمرغ، اثر عطار، بوده است. در این کارگاه بسیاری از تصویرگران کودک و نوجوان شرکت کرده و به خلق تصویرهایی درباره سیمرغ پرداخته‌اند. این تصویرگران هر آنچه از اثر عطار دریافته‌اند، با توجه به سبک ویژه خود، به تصویر کشیده‌اند. این کار، با توجه به اینکه تصویرگری در کار کودک و نوجوان اهمیت ویژه‌ای دارد، در نوع خود بسیار ارزشمند است.

اما، بازنویسی حدادی نیز نکاتی برای گفتن دارد. اصلی‌ترین ویژگی آن فضاسازی آغازین این بازنویسی است. در این اثر مرغان برای استقبال از هدهد، وزیر سلیمان، که به دیدن آن‌ها آمده است، جمع شده‌اند. نثر ساده و روان است و نوآوری‌ای در آن وجود ندارد. با توجه به همین اصل، فضاسازی در اثر (با توجه به اینکه هیچ‌یک از بازنویسان به این نکته توجهی نداشته‌اند و در همه آن آثار داستان به صورت ناگهانی و با جمع شدن مرغان شروع شده است) بسیار مهم است.

## نتیجه‌گیری

در بررسی آثار بازنویسی می‌توان گفت همه این بازنویسی‌ها، جز بازنویسی آذربیدی، ساده بودند و بازآفرینی‌ای در این آثار دیده نشد. البته، در بررسی فیلم‌نامه‌ها و نمایش‌نامه‌ها شاید نتیجه این چنین نباشد. در این بررسی، متأسفانه، یکی از ایرادهای اصلی برخی بازنویسان درک نکردن و دست نیافتن به نگاه داستانی و دقت عطار در آثارش بود، بنابراین، این بازنویسان نتوانسته بودند زیبایی کار عطار را تکرار کنند. این نکته که اکثر بازنویسی‌ها ساده بودند نشان می‌دهد که برای بازنویسان آشنا کردن کودک با متون کهن بیش از هر چیزی مهم است. اما پرسش این است که آیا در همین کار آن‌ها موفق بوده‌اند؟ عطار شگردهای بسیار زیبایی در آثار خود به کار برده است که سبب می‌شود مخاطب مجذوب آن‌ها شود و از آن‌ها لذت ببرد؛ حال آنکه بازنویسان فقط به سیر داستان توجه کرده و از این شگردها بهره‌ای نبرده‌اند. میزان خلاقیت به کاررفته در آثار بازنویسی شده بسیار اندک بود و این در حالی است که بسیاری از حکایت‌های عطار، بازنویسی و بازآفرینی‌هایی خلاق از داستان‌هایی قدیمی‌تر هستند که این نکته نیز در کار بازنویسان امروز نادیده گرفته شده است.

نکته دیگری توجهی نویسندگان به ویژگی‌های کودک‌کان و نادیده گرفتن علایق آنان است و نیز دور بودن نویسندگان از دنیای کودکی و ویژگی‌های آثار پُرطرفدار کودک‌کان. شاید فقط در اثر آذر یزدی، به دلیل طنزپردازی در بازنویسی «پیر چنگی»، تا حدودی بتوان پیوندی میان دنیای کودکی و اثر کهن دید. البته، اکثر بازنویسان به ساده‌نویسی و معنا کردن واژگان توجه داشته و سعی کرده‌اند کودک‌کان را با این آثار ارزشمند آشنا سازند. نکته پایانی این است که نویسندگان با خلاقیت بیشتر و بهره‌گیری از گونه‌های تازه داستان‌نویسی یا همچون فانتزی‌ها و نیز کاربرد تکنیک‌ها و شگردهای داستان‌نویسی می‌توانند آثار عطار را خلاقانه بازنویسی یا بازآفرینی کنند تا هم کودک‌کان از زیبایی و ژرفای این آثار تلفیقی و تازه لذت ببرند و هم خود به هدف خویش، که آشنایی کودک‌کان با متون کهن و حفظ این آثار است، بیش از پیش نزدیک شوند. ●

## پی‌نوشت‌ها

۱. اشاره می‌کند به شعر «به صحرا شدم عشق باریده بود».
۲. اصل این حکایت در منطق الطیر آمده است.

## منابع

- اعلا، افشین (۱۳۸۶). تازه‌هایی از ادبیات کهن برای نوجوانان: قصه‌های شیرین تذکره‌الاولیا، با تصویرگری محمدرضا لواسانی، تهران: پیدایش.
- اهور، پرویز (۱۳۸۰). سی مرغ، با تصویرگری هرمز حقیقی، تهران: شباویز.
- آذر یزدی، مهدی (۱۳۶۹). قصه‌های خوب برای بچه‌های خوب، تهران: شکوفه.
- حدادی، هدی (۱۳۸۶). تصویرگران سیمرخ، ترجمه مهسا موسوی و الناز رفیعی، تهران: انجمن تصویرگران کتاب کودک.
- خانلری، زهرا (۱۳۸۲). افسانه سیمرخ، با تصویرگری نورالدین زرین کلک، تهران: علمی و فرهنگی.
- شیرازی، رضا (۱۳۸۸). داستان‌هایی از ادبیات فارسی (قصه‌های عطار)، با تصویرگری علی مظاهری، تهران: نشر پیام محراب.
- عطار، فریدالدین محمد (۱۳۸۳). مصیبت‌نامه (مجموعه آثار عطار)، تصحیح محمدرضا شفیعی کدکنی، تهران: سخن.
- (۱۳۸۳). منطق الطیر، تصحیح محمدرضا شفیعی کدکنی، تهران: سخن.
- (۱۳۸۲). تذکره‌الاولیا، تصحیح محمد استعلامی، تهران: زوار.
- مزی‌نایی، محمد کاظم (۱۳۸۷). حکایت‌های شیرین منطق الطیر، با تصویرگری کمال طباطبایی، تهران: پیدایش.